

معلم، شخصی که زندگی مردم را تغییر می دهد. پرداختن به معلم، در واقع پرداختن به جامعه بشری یا پرداختن به انسان و انسانیت است.

در آن نباشد. پس، هر روز ما طبعاً به نحوی روز معلم است. حال اگر می خواهیم روزی از روزهای سال را به نام «روز معلم» نام گذاری کنیم، نه برای این است که شاخه گلی یا هدیه ای به معلم خود اهدا کنیم، که مقام او برتر از این تشریفات است. بلکه صرفاً برای

این است یا برای این باید باشد که معلم و مسئولیت های انسانی - اجتماعی او را به همگان معرفی کنیم که احترام بدون شناخت تحلیلی، تعارفی بیش نخواهد بود. خصوصاً اولیای امور و پدران و مادران باید دریابند که معلمان، پیام آوران:

- دانایی مناسب زمان،
- آزاداندیشی،
- خلاقیت،
- صلح و آرامش،
- همزیستی سالم،
- انسانی اندیشی،
- توانایی مناسب زمان،
- برتراندیشی،
- عدالت اجتماعی،
- اندیشه انتقادی،
- جهانی اندیشیدن و بومی عمل کردن،
- معرفت و حکمت،

و به طور کلی، خصایص مطلوب انسان شایسته در دنیای امروز هستند. از سوی دیگر، ارزش هر شغل و شاغل آن مستقیماً به آثار اجتماعی آن یا وابستگی دارد و بدون اغراق در جهان معاصر، با همه پیشرفت های روزافزون تکنولوژی، آثار اجتماعی هیچ حرفه ای با آثار اجتماعی آموزش، پرورش یا حرفه معلمی قابل مقایسه نیست. بدیهی و طبیعی است که این آثار هنگامی مثبت و سازنده خواهند بود که معلم در همه سطوح آموزشی یا تحصیلی، از ویژگی هایی برخوردار باشد:

۱. سلامت همه جانبه (شخصیت سالم)؛
۲. رفاه مناسب زمان و مکان؛
۳. تربیت ویژه یا آمادگی علمی / هنری / حرفه ای لازم؛
۴. عشق و جرئت،
۵. ایمان، امید و اعتماد؛
۶. آشنایی با شرایط فرهنگی روز جامعه و جهان؛
۷. مهارت کلامی؛
۸. مهارت های ارتباط سالم و سازنده،
۹. توانمندی تحلیل و تبیین مسائل واقعی در حوزه آموزش - پرورش (که طبعاً مسائل واقعی انسان خواهند بود).
۱۰. مهارت های زندگی سالم،
۱۱. مهارت های مدیریت،

چرا روز معلم؟!

طبیعی است که چنین شهروندی، در هر جامعه، شایسته تقدیر و قابل احترام خاص خواهد بود. البته نه تقدیر و احترام صوری محض، بلکه واقعاً او را:

- شاد کردن به وسیله تأمین رفاه و آسایش
- از اطمینان و امنیت عاطفی و حرفه‌ای برخوردار کردن
- به سلاح علمی / حرفه‌ای روز مجهز و مسلح کردن
- محیط کارش یعنی مدرسه را از هر لحاظ، خصوصاً ساختار، سالم و محرک و مشوق یادگیری و آموزش فعال گردانیدن
- از همکاری صادقانه و صمیمانه اولیای امور آموزشی و والدین یا خانواده‌ها برخوردار کردن، خصوصاً در تقویت تغییرات رفتاری مطلوب در کودکان و نوجوانان که ادامه کار معلمان است.

فراموش نکنیم، مدرسه سالم و شاد می‌تواند معلمان را شاد نگه دارد؛ هم‌چنان که جامعه سالم و شاد می‌تواند مدرسه را شاد گرداند که شرایط عمده انگیزش یادگیری و آموزش فعال و مؤثر است. و متقابلاً مدرسه شاد و معلمان سالم و شاد و برانگیخته می‌توانند شهروندان شاد و سالم تربیت کنند که به تبع آن، جامعه از سلامت و شادی برخوردار خواهد شد. و این از جمله شرایط مهم ایمان و امید و اعتماد در شهروندان است.

دانش‌آموزان و دانشجویان باید یاد بگیرند که شاد کردن معلمان به شاخه گل و اهدای هدیه نیست، بلکه خصایص انسانی را در خویش‌تر شدن و گسترش دادن است؛ شهروند فعال و مؤثر بودن. این سخن هگل فیلسوف آلمانی را هرگز فراموش نکنیم: «هر نسل وظیفه دارد از نسل پیش فراتر برود.» تجدیدنظر کنیم و این حقیقت را باور کنیم که تا حرفه‌ای درست شناخته نشود، ماهیت آن درست تعریف نشود و مؤلفه‌های آن مورد تحلیل و تبیین علمی قرار نگیرد، طبعاً شاغلان آن حرفه، درست شناخته نخواهند شد. بنابراین، برای این که معلمان را درست بشناسیم و ارزش مقام اجتماعی او را درست دریابیم، باید «آموزش - پرورش» (تربیت) را درست بشناسیم و تعریف علمی، نه صرفاً احساساتی آن را دریابیم، و مؤلفه‌های آن را به صورت تحلیلی بررسی کنیم که تنها در این صورت، «روز معلم» معنا پیدا خواهد کرد. به امید آن روز ان شاء...!

ای کاش می‌توانستیم در حوزه «آموزش - پرورش» خصوصاً درباره «معلم» واقع‌بین باشیم و در پرداختن به چگونگی «زندگی او» بازنگری کنیم. از تعارفات کم کنیم و بر مبلغ بیفزاییم. البته با توجه به این نکته که افزایش حقوق، هنر نیست، بلکه متعادل بودن هزینه زندگی درمان عمده است.